۶

خاطرات مرحوم حجت‌الاسلام شجونی

به نام صلح جنگ و خونریزی نکنید!

سخنرانی علیه حزب توده در قم

اولین بازداشت من در سال ۱۳۳۱ بود که به خاطر میتینگی که علیه حزب توده داده بودم، به شهربانی قم احضار شدم.

به حسب عشق و علاقه‌ای که به روحانیت داشته و دارم و آثار شومی که از زمان کودکی از جنبش حزب توده دیده بودم، همیشه نسبت به حرکات آنها حساسیت به خرج می‌دادم. الان جز از ظلم و جنایت اینها و فریب دادن بچه مسلمان‌ها که کم و بیش در زندان‌ها شاهد آن بودم، خاطرات زیادی از حزب توده در ذهنم نیست. زمانی که در صحن حضرت معصومه(س) آن دو روحانی به ظاهر توده‌ای را که از کنگره جهانی وین برگشته بودند، به حرم می‌بردند و در مراجعت، طرفداران آنها طلاب را مورد ضرب و شتم قرار داده بودند، من در آنجا حاضر بودم. این دو روحانی، سیدعلی‌اکبر برقعی و شیخ محمدباقر کمره‌ای بودند. توده‌ای‌ها اعلامیه‌هایی از طرف سیدعلی‌اکبر برقعی منتشر می‌کردند که شروع آنها این بود که «به هدف سوگند که صلح پیروز است».

*** به حسب عشق و علاقه‌ای که به روحانیت داشته و دارم و آثار شومی که از زمان کودکی از جنبش حزب توده دیده بودم، همیشه نسبت به حرکات آنها حساسیت به خرج می‌دادم.**

زمانی که این آقایان از زیارت برگشتند و آن زد و خورد انجام شد، طلبه‌ای به نام شیخ رضا کنی را دیدم که عمامه و عینکش افتاده بود. با دیدن این صحنه یک مرتبه آتشین (خشمناک) شدم و بالای سنگ جلوی حجره‌ای که پروین اعتصامی در آن مدفون است، رفتم و فریاد زدم که از ما به جوجه چپی‌ها بگویید که «به نام صلح جنگ و خونریزی نکنید». این، اولین فریاد من بود. بعد با همراهی مردم به سوی خیابان به راه افتادیم. مردم، کیوسکی را که نشریات چپی‌ها را می‌فروختند، واژگون کردند و من بالای کیوسک سخنرانی کردم. سپس، به مدت پانزده روز پشت سر هم در قم میتینگ داشتیم. در این میتینگ‌ها، بعضی از روزها، آقایان مرحوم شیخ علی‌اکبر تربتی، سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی و سیدمحمود سدهی هم کمک کردند و یک ربع سخنرانی می‌کردند تا جایی که روبه‌روی شهربانی قم، تبعید این دو نفر روحانی توده‌ای را خواستیم و پیروز هم شدیم، چون آنها را به یزد تبعید کردند.

*** اولین بازداشت من در سال ۱۳۳۱ بود که به خاطر میتینگی که علیه حزب توده داده بودم، به شهربانی قم احضار شدم.**

من آن روزی که در جلوی شهربانی، به طلبه‌ها تیراندازی شد، آنجا سخنرانی می‌کردم. روی پایه دیوار فرمانداری ایستاده بودم. روبه‌روی فرمانداری، شهربانی بود و ژاندارم‌ها در اتاق‌های فرمانداری بودند. من حرارت گلوله را که از بغل گوشم رد شد، احساس می‌کردم. در آنجا یک نفر، شهید و هفتاد نفر، مجروح شدند. یکی از مجروحین آسید جعفر شبیری بود که الان هم یک قسمت از پیشانی‌اش مجروح است و هر وقت مرا می‌بینند، می‌گوید: «من مجروح سخنرانی تو هستم». در آن روزها گاز اشک‌آور زیادی ریختند و بیمارستان‌ها پر از مجروح بود. من هم بر اثر گاز اشک‌آور مقاومتم را از دست دادم و پایین افتادم. درعین حال توانستم اسلحه احمد واکسی پاسبان را- که گاز اشک‌آور گیجش کرده بود- بگیرم اما دست آخر چون قدرتش بیشتر بود، هفت تیر را از من گرفت، ولی کمربندش را برداشتم. سپس به اتفاق روحانیون و تعدادی از مجروحان به خانه آیت‌الله بروجردی رفتیم. من این کمربند را نشان دادم و فریاد زدم که آقا، در این مملکت چنین مسائلی در جریان است.

*** بالای سنگ جلوی حجره‌ای که پروین اعتصامی در آن مدفون است، رفتم و فریاد زدم که از ما به جوجه چپی‌ها بگویید که «به نام صلح جنگ و خونریزی نکنید».**

بعدها، متوجه شدم که دربار در واقعه قم نقش داشت و می‌خواست چهره مصدق را در میان مردم و در پیش مراجع کریه جلوه دهد. در زمان ایشان ما با حزب توده مخالف بودیم، زیرا حزب توده خدا را زیر سؤال می‌بردند و دین و روحانیت را مسخره می‌کردند اما جرأت نمی‌کردند علیه اسلام یا آیت‌الله بروجردی شعاری بدهند، چون اگر شعار می‌دادند، کتک می‌خوردند.

آشنایی با نواب صفوی

زمانی که نواب صفوی به قم تشریف آورده بود، در منزل مرحوم سیدعبدالحسین واحدی ساکن بود. من هم که شنیده بودم وضع اقتصادی و مالی اینها خوب نیست، رفتم از حجره‌ام یک گونی کوچک برنج برداشتم و یک مقدار خرما هم خریدم و به منزل آسیدعبدالحسین واحدی بردم. مهمان‌های خوب و غیوری مثل خلیل طهماسبی و شهید نواب صفوی آنجا بودند.

همچنین بعداً دوستانی که در سنگر اینها در تهران، و مخصوصاً در دولاب بودند، یکی دو سخنرانی در مسجد امام‌حسن(ع) قم ایراد کردند. من مناسبت اولیه سخنرانی اینها را نمی‌دانم ولی سخنرانی جهانی و مهمی بود، مثلاً راجع به شوروی می‌گفتند که شما از هوای خدا و از نعمت خدا استفاده می‌کنید اما خدا را قبول ندارید. به آمریکا و انگلیس حمله می‌کردند. البته اینها جسته گریخته در سخنان خود از مراجع هم انتقاد می‌کردند که آقا این اسلام کو؟ چرا نهضت (قیام) نمی‌کنید؟ مگر پیغمبر نگفت که در مقابل بدعت قیام کنید؟ این همه بدعت؟ این همه... و گاهی هم می‌گفتند که مثلاً شما شش ماه برای یک درس یا یک بحث درس خارجتان را طول می‌دهید ولی چرا حرکت نمی‌کنید؟ این البته، به مزاج بعضی‌ها هم سازگار نبود ولی اکثر اوقات روحانیت علاقه‌مند بود.

خاطرات
مرضیه حدیدچی (دباغ) - ۲

ورود به جرگه شاگردان شهید آیت‌الله سعیدی

گریه حضرت زهرا(س)

پس از بهبود دریافتم که چه پیش آمده، و از دنیایی به دنیای دیگر برگشته‌ام. پس از چهار سال از آن دیدار روحانی می‌کوشیدم، همسرم را راضی کنم تا هر از چند گاهی به قم برویم؛ و از طریق دوستان و یاران امام اطلاعاتی از معظم‌له که اکنون در تبعید به سر می‌بردند، به دست آوریم؛ تا بتوانیم خود را در فضای اندیشه و برنامه‌های ایشان قرار دهیم. از جمله کسانی که به دیدارشان می‌رفتیم آقایان مرحوم ربانی شیرازی، شهید محمد منتظری و موسوی اردبیلی بودند. خداوند توفیق داد چند بار هم به حضور حضرت علامه طباطبایی (رضی‌الله عنه) برسیم. این دیدارها و ملاقات‌ها فرصت مناسبی برای ارایه پرسش‌های متفاوت و دریافت پاسخ‌های بیشتر در آن شرایط و زمانه بود.

به جز این ملاقات‌ها، من در جلسات سخنرانی، وعظ و روضه نیز شرکت می‌کردم. سرانجام روزی شوهرم آمد و گفت: «مرضیه! از قم برای مسجد محله پیش‌نمازی آمده که از شاگردان آقاست، اگر مایل هستی نزد او برویم و خواهش کنیم تا تو درس‌هایت را در محضر او ادامه دهی.»

*** روزی شوهرم آمد و گفت: «مرضیه! از قم برای مسجد محله پیش‌نمازی آمده که از شاگردان آقاست، اگر مایل هستی نزد او برویم و خواهش کنیم تا تو درس‌هایت را در محضر او ادامه دهی.» بهترین پیشنهادی بود که می‌شنیدم.**

بهترین پیشنهادی بود که می‌شنیدم. مجالست با شاگرد حضرت امام خواست قلبی‌ام بود.

در اولین فرصت، به دیدار آیت‌الله سعیدی- امام جماعت جدید مسجد- رفتم پس از معرفی خود، از ایشان خواستم که اجازه دهد در محضرش تلمذ کنم. پس از تأکید و اصرار، رضایتش را برای یکی دو ساعت تدریس در روز کسب کردم.

تحصیل و یادگیری مباحث درس شرح لمعه و مکاسب بهانه‌ای شد، تا من، پرسش‌هایم را پیرامون مسائل جاری طرح، و ایراد شک و تردید کنم. آیت‌الله سعیدی به تمام پرسش‌هایم با حوصله زیاد و موشکافی پاسخ می‌داد. با گذشت زمان بحث‌ها گرایش سیاسی به خود گرفت و رفته رفته پر رنگ‌تر شد. حاج‌آقا سعیدی متوجه علاقه و توجه من به فعالیت‌های سیاسی شد، و کم‌کم با تبیین شرایط سیاسی روز مرا برای ورود به این عرصه تشویق کرد. پرسش‌های سیاسی مرا گاهی خود پاسخ می‌گفت و گاه به طور مکتوب از حضرت امام پاسخش را می‌طلبید و کسب تکلیف می‌کرد. به عنوان مثال به یاد دارم که از او درباره رانندگی زنان سؤال کردم و گفتم که مایلم برای سرعت بخشیدن به بعضی کارها و فعالیت‌های سیاسی رانندگی کنم، خب در شرایط و مقتضیات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی آن زمان حکم و نظر امام(ره) بر ممنوعیت بود. شهید سعیدی نامه‌ای برای امام نوشت که چنین شخصی با چنین مختصاتی و ویژگی‌ها می‌خواهد رانندگی بیاموزد. حضرت امام پاسخ فرموده بودند که در این مسئله به سایر مراجع رجوع کنند.

آیت‌الله سعیدی از ۱۳۴۶ با طرح مسائل سیاسی جامعه و انقلاب و مبارزه و هشدار نسبت به تهدیدات و فشارهای ساواک بر مبارزان و نیز پس از چند بار امتحان مرا مستقیماً به عرصه مبارزه کشاندند.

روزی شهید سعیدی از شانزده خانمی که شاگردش بودند، خواست به مناسبت ولادت حضرت زهرا(س) مقاله‌ای بنویسند. من نیز چهار صفحه راجع به «گریه حضرت زهرا(س)» نوشتم که در آن به فلسفه گریه حضرت پرداختم، و در آن تأکید کردم که گریه خانم؛ با آن شخصیت‌شان که قطب عالم امکان هستند بی‌شک تنها به خاطر از دست دادن پدر بزرگوارشان نبوده است؛ بلکه حضرت زهرا(س) از گریه به عنوان حربه‌ای برای نشان دادن چهره واقعی حکومت و خیانت‌ها و ظلم‌های آن استفاده و تبلیغ می‌کردند. این خطاست که فکر کنیم گریه حضرت به خاطر «فدک» و مال دنیا بوده است، چرا که وجود مقدس و مبارک ایشان معصوم بوده ترک اولی نمی‌کرده‌اند. اشتباه است که بیندیشیم ناله‌های حضرت برای رحلت پیغمبر اکرم(ص) بوده است، چرا که فاطمه(س) در برابر مشیت و حکم الهی خاضع و تسلیم بوده‌اند. در فضای سیاسی و جامعه‌ای که حضرت ایشان نمی‌توانستند سخنرانی و اعتراض کنند، قیام کنند و فریاد برکشند؛ افرادی را گرد خود جمع می‌کردند و با گریه زبان حال می‌گفته‌اند.

مجاهد شهید آیت‌ا... محمدرضا سعیدی از یاران و شاگردان حضرت امام بود. وی در سال ۱۳۴۱ فعالیت موثری در بسیج علما و مراجع برای آزادی امام‌خمینی(ره) از زندان داشت. وی چندین بار به زندان افتاد و سرانجام در سال ۱۳۴۹ در پی صدور اعلامیه و مخالفت با سرمایه‌گذاری آمریکایی‌ها و سخنرانی علیه رژیم صهیونیستی دستگیر شد و در زندان ساواک، بر اثر شکنجه‌های شدید به شهادت رسید.

در قسمتی از مقاله از «حسنین و زینبین» یاد کرده بودم. شهید سعیدی روی این دو عنوان انگشت گذاشت و گفت: «فکر نویی در پس این عنوان می‌بینم.» و علت آن را پرسید، توضیح دادم که وقتی امام حسن(ع) و امام حسین(ع) می‌شوند «حسنین» پس حضرت زینب(س) و حضرت ام‌کلثوم(س) هم می‌شوند «زینبین». بیان کردم به همان میزان که حضرت زینب(س) ایثار و فداکاری کردند، حضرت ام‌کلثوم(س) نیز در فداکاری و از خودگذشتگی سهم داشتند، ما بیشتر از زینب(س) یاد می‌کنیم و خدمات ام‌کلثوم(س) را نادیده می‌گیریم.

شهید سعیدی تمام مقاله‌ها را جمع کرد و خواند سپس مرا صدا زد و گفت:

«خانم دباغ! باید زیر این مقاله را امضا کنید!»

پرسیدم: «چرا حاج آقا؟»

گفت: «اگر ما این مقاله را بدون امضا چاپ کنیم ساواک نسبت به آن حساس می‌شود. ما باید مقاله‌ای با امضا و نام ارایه دهیم!»

گفتم: «باشد، عیبی ندارد.»

زیر مقاله را امضا کردم. او نگاهی به من کرد و لبخندی زد. دریافتم که او با این کار می‌خواست مرا امتحان کند و بداند تا چه حد پای کار می‌ایستم.

تجارت پرسود

با گذشت زمان آیت‌الله سعیدی کارها و مأموریت‌های مختلفی به من و یکی دیگر از خانم‌های کلاس واگذار می‌کرد. او فتواهای حضرت امام(ره) را از نجف، در اختیار ما می‌گذاشت؛ تا روی کاغذهای کوچک بنویسیم و به نحوی مثلاً هنگام خرید از مغازه‌های مختلف آن‌ها را پخش کنیم.

***در اولین فرصت، به دیدار آیت‌الله سعیدی- امام جماعت جدید مسجد- رفتم پس از معرفی خود، از ایشان خواستم که اجازه دهد در محضرش تلمذ کنم. پس از تأکید و اصرار، رضایتش را برای یکی دو ساعت تدریس در روز کسب کردم.**

روزی شهید سعیدی کتاب ولایت فقیه حضرت امام را که دست‌نویس بود به من داد و گفت: «این کتاب را ببرید و از رویش بنویسید، کپی هم بگذارید تا چند نسخه شود، وقتی کامل شد؛ آن را بیاورید.» در روز، رونویسی کتاب برایم ممکن نبود، هنگام غروب به بچه‌ها غذا می‌دادم که به درس‌هایشان مشغول شوند و کوچک‌ترها را هم می‌خواباندم و مشغول نوشتن می‌شدم. این سفارش در حدود دو هفته کامل شد. هنگامی که چند نسخه رونویسی شده کتاب را به شهید سعیدی تحویل دادم او از کارم خیلی خوشش آمد و پس از آن کارهای مهم‌تر و بیشتری به من محول کرد.

برای برخی آموزش‌ها و تمرین‌ها، اردوهایی با ابتکار شهید سعیدی شکل گرفت. من به راهنمایی او از میان دختران جوان و زنانی که توانایی کسب رضایت پدر و یا شوهرانشان را برای همکاری و شرکت در اردوها داشتند انتخاب می‌کردم. اولین اردوی ما روزانه بود و پنج یا شش نفری را هم که من معرفی کرده بودم همگی آمدند. من بچه‌های بزرگم را به مادرم سپردم و کوچک‌ترها را با خود به اردو بردم.

محل اردو باغ مصفایی در مردآباد کرج بود، که خود آقای سعیدی هم‌آهنگی‌هایش را انجام می‌داد، این که باغ مال چه کسی بود، ما اطلاعی نداشتیم. خیابان‌های اصلی و فرعی زیادی را در کرج طی می‌کردیم تا به آن برسیم. خانم ترک‌زبانی به نام کمپانی برای ما نان و پنیر و میوه تهیه می‌کرد. شهید سعیدی برای این که شناسایی نشود، شب‌ها بدون عبا و عمامه به آن جا می‌آمد و به ما آموزش می‌داد. این اردوها در چند نوبت برگزار شد و در اردوی آخر تعداد شرکت‌کنندگان هجده نفر بود.

تعدد و تراکم کارها و مأموریت‌ها آن قدر زیاد شده بود که هیچ وقت و فرصتی برایم برای رسیدگی به امور خانه و فرزندانم نمی‌گذاشت.

صفحه پاورقی

روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود

تلفن: ۳۵۲۰۲۱۱۳ Research@kayhan.ir

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده شرکت عمران سبز جنگل رویان

جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده شرکت عمران سبز جنگل رویان (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۵۳۹ و شناسه ملی ۱۴۰۰۰۱۹۳۴۷۴ با سرمایه ثبتی ۱/۲۰۰/۰۰۰ ریال، راس ساعت ۱۰ صبح روز شنبه مورخه ۱۳۹۵/۱۰/۴ در محل شرکت واقع در شهرستان نور - رویان - خیابان مسجد جامع - کدپستی ۴۶۵۶۱۳۸۳۶۶ برگزار می‌گردد لذا از کلیه سهامداران شرکت دعوت به عمل می‌آید تا شخصا و یا وکالتا در این مجمع حضور به هم رسانید.

دستور جلسه: ۱- انتخاب هیئت مدیره برای دو سال ۲- انتخاب بازرس برای مدت یکسال مالی ۳- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهی شرکت ۴- دادن حق وکالت به یکی از مدیران شرکت برای ثبت صورتجلسات.

رئیس هیئت مدیره شرکت - شکرالله راجی

آگهی تحریر ترکه

پرونده کلاسه ۲/۹۵۰۳۷۰ح این شعبه با توجه به فوت مرحوم آقای رحمت‌اله شمسی فرزند یحیی به شماره‌شناسنامه ۵۰۹۹۴۲۸۷۴۱ متولد ۱۳۱۲/۷/۱۵ که ساکن بوئین‌زهرا- روستای ولدآباد بوده توسط پروین شمسی درخواست تحریر ترکه شده و قرار تحریر ترکه صادر گردیده است و برای تاریخ ۹۵/۱۰/۲۸ رأس ساعت ۱۰:۳۰ نوبت تحریر ترکه تعیین گردیده لذا بدین وسیله به تمامی ورثه متوفای یاد شده یا نمایندگان قانونی آنها، بستانکاران از متوفی و مدیونین به وی و هر کس که به هر طریق، حقی بر ترکه متوفی دارد ابلاغ می‌شود در ساعت و تاریخ یاد شده در شعبه دوم شورای حل اختلاف بوئین‌زهرا واقع در بوئین‌زهرا خیابان ولی‌عصر غربی پشت اداره آب و فاضلاب بن‌بست کانون مجتمع شورای حل اختلاف بوئین‌زهرا جهت شرکت در عملیات تحریر ترکه حاضر شوند.

چگینی- مدیر دفتر شعبه دوم شورای حل اختلاف بوئین‌زهرا

رونوشت آگهی حصر وراثت

خانم مریم قنادها دارای شناسنامه شماره ۳۳۳ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۵۱۱۶۶/۹ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان حسین قنادها بشناسنامه شماره ۳۵۲۱ در تاریخ ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته، ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به ۱- فاطمه خانم حاجی وکیل الرعایا متولد ۱۳۱۰/۱۱/۲۴ ش‌ش ۱۳۴ فرزند مشهدی‌حسین مادر متوفی.

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

رئیس شعبه ۹ شورای حل اختلاف کرج

آگهی ابلاغ دادخواست و ضمایم و وقت دادرسی

بدینوسیله به آقای امیر سنائی و محمد سنائی که فعلا مجهول‌المکان می‌باشند ابلاغ می‌گردد که امین‌اله محمدی دادخواستی به خواسته مطالبه وجه به طرفیت شما تقدیم که به کلاسه ۹۵۰۲۲۰/۹۵ ج‌ا ۱۱۵ ثبت و برای روز چهارشنبه ۹۵/۱۰/۲۲ ساعت ۹/۳۰ وقت رسیدگی تعیین گردیده، لذا مراتب به جهت تقاضای خواهان و در اجرای مقررات ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی همدان درج می‌گردد. خوانده می‌تواند ظرف یک ماه از تاریخ انتشار آگهی جهت دریافت نسخه ثانی دادخواست و ضمایم به شعبه ۱۱۵ واقع در میدان بیمه انتهای کوچه مشکی مجتمع امام‌حسن مراجعه و در روز و ساعت مقرره فوق در جلسه رسیدگی حاضر و هرگونه دفاعی دارد به عمل آورد والا شورا غیابا رسیدگی و تصمیم مقتضی صادر خواهد نمود و چنانچه منبعد آگهی لازم شود یک نوبت و مدت آن ده روز خواهد بود.

دبیرخانه شماره ۱۱۵ شورای حل اختلاف همدان

م الف ۴۱۰۳

اطلاعیه مهم (فراخوان)

پیرو فراخوان عمومی شرکت ویتور آلمان (WITTUR) در خصوص احتمال وجود مشکل در تعدادی از تولیدات موتور گیرلس مدل WSG S1.3(2.9KW,4.6KW) آن شرکت، با توجه به اینکه تعدادی از آنها در بازار ایران از طرق مختلف عرضه شده است، لذا از کلیه خریداران این محصول تقاضا می شود با داشتن شماره سریال موتور گیرلس جهت اطمینان از سلامت دستگاه خود و رفع مشکل احتمالی، با شماره تلفن های زیر تماس حاصل نمایند.

بازرگانی موسی خانی

(۰۲۱)۸۸۱۰۲۳۰۴-۱۲ (۰۲۱)۸۸۷۲۹۲۲۳-۱۰

آگهی ابلاغ

خواهان ناصر عبدلی با وکالت آقای نیک‌خصلت دادخواستی به طرفیت خواندگان: آقای مهدی مهرجو و خانم شهناز قربانی، هر دو فرزندان علی به خواسته الزام خواندگان به تنظیم و انتقال سند رسمی تقدیم دادگاه‌های عمومی شهرستان بخش لالجین شهرستان بهار نموده که جهت رسیدگی به شعبه اول دادگاه عمومی بخش لالجین واقع در لالجین ارجاع و به کلاسه ۹۴۰۹۹۸۸۱۳۴۳۰۰۰۱۹ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن ۱۳۹۵/۱۱/۲۳ و ساعت ۱۰ تعیین شده است. به علت مجهول‌المکان بودن خواندگان و درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا خواندگان پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.

منشی شعبه اول دادگاه عمومی بخش لالجین- آرام

م‌الف ۴۰۸۶

برگ سبز خودروی پراید به رنگ سفید مدل ۱۳۹۰ به شماره موتور ۴۲۷۶۰۰۴ و شماره شاسی S۳۴۱۲۲۹۰۹۸۰۰۸۸ و شماره پلاک ۵۵ ایران ۲۲۲ س ۵۱ بنام فاطمه قیاسوند حاجی‌آبادی فرزند علی‌محمد صادره از سمنان مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری سایپا ۱۳۱SL به شماره پلاک ۷۱۶ ط ۸۷ - ایران ۱۴ به رنگ سفید - روغنی مدل ۱۳۹۰ و شماره موتور ۴۳۲۱۱۵۱ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۹۰۲۰۵۱۶۲ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

دادنامه

خواهان: امیر شامخی- همدان، خ شهدا، مقابل پله‌پله، بازرگانی شهباز
خوانده: خاطره ایرانپور- مجهول‌المکان خواسته:ـــ
گردشکار: خواهان دادخواستی به خواسته فوق به طرفیت خوانده تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شعبه و ثبت و اجرای تشریفات قانونی، قاضی شورا پس از مشورت با اعضا حوزه ختم رسیدگی را اعلام و به شرح زیر با استعانت از خداوند منان مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

«رأی قاضی شورا»

در خصوص دادخواست آقای امیرشامخی فرزند محمد به طرفیت خانم خاطره ایرانپور فرزند علی‌حسین به خواسته مطالبه وجه سه فقره چک بلامحل به شماره‌های ۸۷۰۵۶۰- ۸۷۰۵۶۱- ۸۷۰۵۶۲ با احتساب هزینه دادرسی و تاخیر تأدیه چکها از زمان سررسید نظر به اینکه خواسته خواهان مطالبه وجه سه فقره چک به شماره‌های ۸۷۰۵۶۰ به مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال- ۸۷۰۵۶۲ به مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال- ۸۷۰۵۶۱ به مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال همگی چکها عهده بانک ملی که خوانده به عنوان متعهد ذیل چکهای مذکور را امضا نموده است. لذا وجود چکها در ید خواهان استحقاق خواهان در مطالبه وجه چکها و اشتغال ذمه خوانده را دارد از آنجا که خوانده علیرغم ابلاغ اخطاریه در روزنامه تفاهم به تاریخ ۹۵/۵/۲۰ شماره ۲۸۷۴ با گذشت بیش از یک ماه از نشر آگهی در جلسه دادرسی حاضر نگردیده و هیچگونه لایحه و مدرکی مبنی بر برائت ذمه خویش به شورا ارائه نداده است لذا شورا با توجه به محتویات پرونده دعوای خواهان را حمل بر صحت تلقی نموده لذا به استناد مواد ۱۹۸، ۵۱۵، ۵۱۹، ۵۲۳ قانون آئین دادرسی مدنی و مواد ۳۱۰، ۳۱۳ قانون تجارت خوانده را به پرداخت مبلغ ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال از بابت اصل خواسته وجه چکهای مذکور و همچنین مبلغ ۱/۱۴۵/۰۰۰ ریال بابت هزینه دادرسی و تاخیر تادیه چکهای مذکور از زمان سررسید چکها لغایت زمان و اجرای حکم که قابل محاسبه در اجرای احکام براساس شاخص تورم سالانه اعلامی بانک مرکزی می‌باشد در حق خواهان محکوم می‌نماید. رای صادره غیابی محسوب و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این شورا و پس از آن ظرف بیست روز قابل تجدیدنظر در محاکم حقوقی شهر همدان می‌باشد.

قاضی شورای حل اختلاف شهر همدان- بهنام روغنی

م‌الف ۴۱۰۱

دادنامه

خواهان: امیر شامخی- همدان، خ شهدا، مقابل پله‌پله، بازرگانی شهباز
خوانده: حسین اسدی- همدان، مجهول‌المکان
خواسته: مطالبه وجه
گردشکار: خواهان دادخواستی به خواسته فوق به طرفیت خوانده تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شعبه و ثبت و اجرای تشریفات قانونی، قاضی شورا پس از مشورت با اعضا حوزه ختم رسیدگی را اعلام و به شرح زیر با استعانت از خداوند منان مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

«رأی قاضی شورا»

درخصوص دادخواست آقای امیر شامخی فرزند محمد به طرفیت آقای حسین اسدی فرزند محمد به خواسته مطالبه وجه پنج فقره چک بلامحل به شماره‌های ۸۵۰۰۳۶- ۸۵۰۰۳۸- ۸۵۰۰۳۹- ۸۵۰۰۴۰- ۸۵۰۰۴۱ با احتساب هزینه دادرسی و تأخیر تأدیه چکها از زمان سر رسید. نظر به اینکه خواسته خواهان مطالبه وجه پنج فقره چک به شماره‌های ۸۵۰۰۳۶ به مبلغ ۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال- ۸۵۰۰۴۰ به مبلغ ۳۱/۲۵۰/۰۰۰ ریال- ۸۵۰۰۴۱ به مبلغ ۳۱/۲۰۰/۰۰۰ ریال- ۸۵۰۰۳۹ به مبلغ ۳۱/۳۰۰/۰۰۰ ریال- ۸۵۰۰۳۸ به مبلغ ۳۱/۲۲۵/۰۰۰ همگی چکها به عهده بانک رفاه کارگران جمعاً به مبلغ ۱۴۹/۹۷۵/۰۰۰ ریال که خوانده به عنوان متعهد ذیل چک‌های مذکور را امضا نموده است. لذا وجود چکها در ید خواهان استحقاق خواهان در مطالبه وجه چکها و اشتغال ذمه خوانده را داد. از آنجا که خوانده علی‌رغم ابلاغ اخطاریه در روزنامه تفاهم به تاریخ ۹۵/۵/۲۰ شماره ۲۸۷۴ با گذشت بیش از یک ماه از نشر آگهی در جلسه دادرسی حاضر نگردیده و هیچگونه لایحه و مدرکی مبنی بر برائت ذمه خویش به شورا ارائه نداده است لذا شورا با توجه به محتویات پرونده دعوای خواهان را حمل بر صحت تلقی نموده، لذا به استناد مواد ۱۹۸، ۵۱۵، ۵۱۹، ۵۲۳ قانون آئین دادرسی مدنی و مواد ۳۱۰، ۳۱۳ قانون تجارت خوانده را به پرداخت مبلغ ۱۴۹/۹۷۵/۰۰۰ ریال از بابت اصل خواسته وجه چکهای مذکور و همچنین مبلغ ۴/۲۶۵/۰۰۰ ریال بابت هزینه دادرسی و تأخیر تأدیه چک‌های مذکور از زمان سررسید چک‌ها لغایت زمان اجرای حکم که قابل محاسبه و در اجرای احکام براساس نرخ شاخص تورم سالانه بانک مرکزی می‌باشد در حق خواهان محکوم می‌نماید. رای صادره غیابی محسوب و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این شورا و پس از آن ظرف بیست روز قابل تجدیدنظر در محاکم حقوقی شهرستان همدان می باشد.

قاضی شورای حل اختلاف شهر همدان- بهنام روغنی

م‌الف ۴۱۰۰

آگهی مزایده اموال غیرمنقول (اسناد ذمه)

به موجب پرونده اجرائی کلاسه ۵۶- ۱۷۶۹۵سهم از ۱۴۱۵ سهم ششدانگ یک قطعه زمین به شماره پلاک یک فرعی ۹۱۶۳ واقع در بخش ۲۳ یزد ثبت و سند مالکیت بنام آقای حمید خلخالی‌زر فرزند رمضان به شناسنامه ۲۷۷ مبید صادر که حدود ششدانگ بدین نحو میباشد شمالا بطول ۶۸ متر به کوچه بن‌بست شرقا بطول ۲۰ متر مرزبست اشتراکی به باقی مانده ۹۱۶۳ جنوبا در سه قسمت اول ۲۴ متر مرزبست اشتراکی به ۹۱۶۲ دوم بطول ۳۲/۷ متر مرزبست اشتراکی با زمین ۹۱۶۲ سوم بطول ۱۰ متر مرزبست به رودخانه غربا بطول ۲۲ متر مرزبست به رودخانه به مساحت ۱۴۱۵ متر مربع طبق نظر کارشناس رسمی حسب السهم مالک به مبلغ ۴۹۹/۲۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی شده که برابر گزارش مامور اجرا ملک مزبور بصورت ساختمان نیمه‌ساز در حد ساخت فقط زیرزمین در تصرف مالک می‌باشد و پلاک فوق از ساعت ۹ الی ۱۲ روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۵/۶/۱۰ در اداره ثبت مبید واقع در خیابان کاشانی از طریق مزایده به فروش می‌رسد. مزایده از مبلغ ۴۹۹/۲۰۰/۰۰۰ ریال شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا فروخته می‌شود. لازم به ذکر است پرداخت بدهی‌های مربوط به آب، برق، گاز اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مورد مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهی‌های مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است و نیز در صورت وجود مازاد، وجوه پرداختی بابت هزینه‌های فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسترد خواهد شد و نیم عشر و حق مزایده نقدا وصول می‌گردد ضمنا چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی گردد، مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد.

تاریخ انتشار چهارشنبه ۱۳۹۵/۹/۱۷

رئیس ثبت مبید - محمد دهقان بنادکی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان بهبهان

برابر رأی شماره۱۳۹۵۶۰۳۱۷۰۰۷۰۰۳۸۵۲ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان بهبهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی: آقای صاحب شهریاری گدارنارگون فرزند مصطفی به شناسنامه شماره ۱۲۴۴ صادره از بهبهان به شماره‌ملی ۱۸۶۱۳۶۲۴۲ در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۰۷/۳۳ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۵۶۶۰ اصلی واقع در بخش یک بهبهان خریداری از مالک رسمی آقایان محمد عبداله‌نسب، فریدون نوربخش، مرتضی کیمیاوی مقدم محرز گردیده است. لذا مراتب به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خودرا به مرجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۵/۹/۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۵/۹/۱۷

افشین- رئیس ثبت بهبهان

۸/۱۸۹ م/الف

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی»

برابر رأی شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۷۰۰۱۰۰۳۴۵۲-۹۵/۶/۱۵ هیئت سوم مو